

## Criticism of the Components of the Sufficiency Format in Kazem Al Yassin's Translation of the Novel "Qalb al-Lil" based on the Russian Approaches of Shveister and Retsker

Seyed Mahdi Nouri Keyzghani 

Associate Professor, Department of  
Arabic Language and Literature,  
Hakim Sabzevari University,  
Sabzevar, Iran

Masoud Salmani Haghighi \* 

Ph.D. Student of Arabic Language  
and Literature, Hakim Sabzevari  
University, Sabzevar, Iran

Reyhaneh Hosseinabadi 

M. A. in Arabic Translation, Hakim  
Sabzevari University, Sabzevar, Iran

### Abstract

Linguistics deals with the study of language and provides solid and productive theories about how language works, and since translation is considered a linguistic activity, it is reasonable to imagine that linguistics can have something to say about translation. One of the techniques presented for translation is Schweitzer and Ratsker's Russian approach. This approach includes the components of the format of sufficiency or transformation of translation, which includes 4 elements of objectification, logical derivation, opposite translation, and compensation. In this essay, relying on the descriptive-analytical method, he criticized and examined the components of the sufficiency format in selected examples of Kazem Al Yassin's translation of the novel "Qalb al-Lil" based on Schweitzer and Ratsker's approaches, and at the end, the frequency of adherence to this pattern in the target language is displayed in two circular and column charts. The result of the research shows that the translator, in most cases, while respecting the style and components of the source text and its transmission, prioritizes the linguistic subtleties and expressive methods of the target text. Since translating all aspects of the original text, the structure and the message of the text is a difficult and possibly impossible task, so Kazem Al Yassin's effort to present a fluent text based on the components of the sufficiency format seems appropriate and acceptable.


**Keywords:** Linguistics, Translation, Sufficiency Format, Schweitzer and Ratsker.

\* Corresponding Author: 4001421069@sun.hsu.ac.ir


**How to Cite:** Nouri Keyzghani, S. M., Salmani Haghighi, M., Hosseinabadi, R. (2022). Criticism of the Components of the Sufficiency Format in Kazem Al Yassin's Translation of the Novel "Qalb al-Lil" based on the Russian Approaches of Shveister and Retsker. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 269-295. doi: 10.22054/RCTALL.2022.69861.1648

## نقد و بررسی مؤلفه‌های قالب بسندگی در ترجمه کاظم آل یاسین از رمان «قلب اللیل» براساس رویکردهای روسی شویتسر و رتسکر

دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار،  
ایران

سید مهدی نوری کیدقانی 

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری،  
سبزوار، ایران

مسعود سلمانی حقیقی\* 

کارشناس ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار،  
ایران

ریحانه حسین آبادی 

### چکیده

زبان‌شناسی به مطالعه زبان می‌پردازد و نظریه‌های مستحکم و زایایی را در باب چگونگی عملکرد زبان به دست می‌دهد و از آنجا که ترجمه فعالیتی زبانی محسوب می‌شود، منطقی است که تصور کنیم زبان‌شناسی می‌تواند در باب ترجمه، حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد. یکی از فنون ارائه شده برای ترجمه، رویکرد روسی شویتسر و رتسکر است. این رویکرد دربر دارنده مؤلفه‌های قالب بسندگی یا تبدیل ترجمه‌ای است که شامل ۴ عنصر عینی‌سازی، اشتقاق منطقی، ترجمه متضاد و جبران است. در این جستار با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی مؤلفه‌های قالب بسندگی در نمونه‌های انتخابی از تمام ترجمه کاظم آل یاسین از رمان «قلب اللیل» براساس رویکردهای شویتسر و رتسکر پرداخته و در پایان بسامد پابندی به این الگو در زبان مقصد در دو نمودار دایره‌ای و ستونی نمایش داده می‌شود. برآیند پژوهش نشان می‌دهد مترجم در اکثر مواقع ضمن رعایت اسلوب و مؤلفه‌های متن مبدأ و انتقال آن، ظرافت‌های زبانی و روش‌های بیانی متن مقصد را در اولویت قرار می‌دهد. از آنجایی که برگردان تمام جوانب متن اصلی، ساختار و پیام متن، کاری سخت و احياناً غیر ممکن است، از این رو، تلاش کاظم آل یاسین برای ارائه یک متن روان مبتنی مؤلفه‌های قالب بسندگی مناسب و قابل قبول به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، ترجمه، قالب بسندگی، شویتسر و رتسکر.

## مقدمه

ترجمه، نمونه‌ای خاص از تلاقی زبانی و یکی از فعالیت‌های بشری است که قدمتی طولانی دارد. این فعالیت بشری، نشانگر «وساطت بین‌زبانی» است که این امکان را می‌دهد تا از طریق تماس جوامعی که به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، اطلاعات و دانسته‌ها میان کاربران مختلف به منظور تبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری و.. انتقال یابد و همین امر، ضرورت عمل ترجمه را متبلور می‌سازد (ابوعلی و اسبقی گیگلو، ۱۳۹۹: ۱۰).

ترجمه‌پژوهی، قلمروی گسترده‌ای در پژوهش‌های امروزی یافته است و نظریه‌های ترجمه امکان تحلیل و ارزیابی ترجمه‌ها را به روشی نوین و علمی فراهم کرده است. بدین سان، امروزه با حجم زیادی از نظریه‌ها مواجه هستیم که می‌تواند تحلیلی کارا از ترجمه‌ها ارائه دهد و به ارزیابی آن‌ها بپردازد. در مجموع، می‌توان این نظریه‌ها را به دو دسته کلی مبدأگرا و مقصدگرا تقسیم کرد که هر یک از این گرایش‌ها برای متونی خاص متناسب و اجرا شدنی است (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸).

ترجمه یک اثر ادبی انتقال و نشان دادن تمام و کمال گفتار دیگری است و هم‌آمیزی درونی اثر اصلی و خوانندگان زبان مقصد به شمار می‌رود. در اثر ادبی، گفتار دیگری متصل به یک اصل بنیادین؛ یعنی سبک نویسنده است و به همین دلیل مترجم وظیفه دارد کار روی زبان را جدی بگیرد تا بتواند ارزش زیباشناختی و بوتیقایی متن اصلی را در ترجمه خویش حفظ کند و در عین حال زبان خویشتن را جایگزین زبان مؤلف کند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

مسئله اصلی در ترجمه ادبی و نقد ترجمه ادبی، ماهیت دو گفتار (نویسنده و مترجم) و چگونگی کار مترجم بر زبان و سبک نویسنده است (همان: ۴۸). در این جستار به نقد و بررسی ترجمه کاظم آل یاسین از رمان «قلب اللیل» اثر نجیب محفوظ براساس مؤلفه‌های قالب بسندگی مطرح شده از سوی شوایستر و رتسکر<sup>۱</sup> پرداخته می‌شود تا از این طریق میزان تأثیر و اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها در انتقال و تعیین معنا و مفهوم اصلی کلام در هر دو زبان مبدأ و مقصد نشان داده شود.

---

1. Shveitser, Y. & Retsker, A. D.

### ۱. پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات مربوط به نقد و بررسی ترجمه متون ادبی پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است که نمونه‌هایی از ترجمه را ارائه کرده و براساس نظریات مطرح شده به تحلیل و بررسی آن پرداخته‌اند. از این رو به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در ادامه اشاره می‌شود.

مقاله «باز کاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب براساس الگوی ژان رنه لادمیرال<sup>۱</sup>» نوشته دلشاد و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی ترجمه داستان نامبرده براساس الگوی لادمیرال پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه تسوجی مطابق با این اصل، هم‌سویی چشمگیری با نظریه لادمیرال دارد و مترجم توانسته ضمن توجه به بازآفرینی و زایش معنا - جز در موارد اندکی - اثری زیبا و متناسب با بافت فرهنگی زبان مقصد ارائه کند.

مقاله «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب‌اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس<sup>۲</sup>» نوشته صیادانی و دیگران (۱۳۹۶)، ترجمه سه بخش از رمان «قلب‌اللیل» نجیب محفوظ را با در نظر گرفتن متن اصلی رمان بررسی کرده است. دستاورد این پژوهش مبین آن است که مترجم در دو سطح «معنایی لغوی» و «نحوی صرفی (واژه ساختی)» نسبت به دو سطح دیگر الگوی گارسس موفق‌تر عمل کرده است. به عبارت دیگر، ترجمه وی از این لحاظ، کفایت لازم را دارد.

مقاله «نقد و بررسی ترجمه «فاطمه جعفری» از رمان اعترافات «ربیع جابر» براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن<sup>۳</sup>» نوشته ابوعلی و گیگلو، (۱۳۹۹)، ترجمه مذکور را براساس هفت مؤلفه از مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن بررسی کرده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد اطناب کلام و تخریب ضرب‌آهنگ متن از پربسامدترین عوامل تحریف متن در ترجمه جعفری بوده و این مؤلفه‌ها در تفاخر‌گرایی نیز تأثیر گذاشته است.

مقاله «نقد ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمدسعداوی براساس نظریه گارسس» نوشته بشیری و هادوی خلیل‌آباد (۱۳۹۹) به ارزیابی همه‌بخش‌های ترجمه امل نهبانی از رمان «فرانکشتاین فی بغداد» در هر چهار سطح نظریه گارسس پرداخته است. طبق

---

1. Ladmyral, J. R.

2. Garcé, C. V.

3. Berman, A.

بررسی‌های این پژوهش که با جای‌گذاری نمونه‌های قابل تطبیق ترجمه با زیرگروه‌های نظریه گارسس به دست آمده در سطح اول (معنایی- لغوی) و سطح دوم (نحوی- واژه‌ساختی) نظریه، بیشترین نمونه‌ها از ترجمه این رمان یافت شد و به دلیل داشتن ویژگی‌های مثبت که پرشمارتر از ویژگی‌های منفی است این ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است.

مقاله «کاربست نظریه نیومارک<sup>۱</sup> در انتقال واحد فرهنگ در ترجمه رمان عربی» نوشته مدنی و اصغری (۱۴۰۰) با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک، کیفیت انتقال واحد فرهنگ و عملکرد مترجمان را در ترجمه رمان‌های میرامار، زقاق المدق و ثرثرة فوق النيل، موسم الهجرة إلى الشمال و عرس الزین و دروز بلغراد مورد واکاوی قرار داده است. در پایان مشخص شد که در ترجمه این رمان‌ها شیوه‌های انتقال، بومی‌سازی و معادل فرهنگی بیشترین کاربرد را در انتقال واحد فرهنگ داشته است.

موضوع پژوهش حاضر تاکنون در هیچ مقاله یا پایان‌نامه‌ای براساس مؤلفه‌های تعیین شده از سوی شویتسر و رتسکر مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن معرفی فنون ترجمه ارائه شده توسط دو نظریه‌پرداز مورد اشاره، میزان کارایی این عناصر در انتقال مضامین و مفاهیم موجود در زبان مبدأ و مقصد و به کارگیری آن توسط مترجم مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

- میزان تأثیر و کارایی مؤلفه‌های قالب بسندگی در انتقال معنای دقیق واژگان و عبارات به زبان مقصد چقدر بوده است؟

- مترجم تا چه اندازه نسبت به رعایت رویکرد مذکور در ترجمه خود پایبند بوده است؟  
به منظور دستیابی به پاسخ برای سؤالات این پژوهش، فرضیه‌های زیر در نظر گرفته شده است:

- به نظر می‌رسد هر یک از مؤلفه‌های قالب بسندگی در بخش‌های انتخابی از رمان به طور نسبی و مناسب قابل توجه بوده است، چراکه با تغییر ساخت کلام در زبان مقصد براساس رویکرد مورد اشاره، پیام و مفهوم متن اصلی به طور مناسب انتقال یافته است.

---

1. Newmark, P.

- در خصوص عملکرد مترجم می‌توان گفت در اکثر موارد مورد پژوهش تلاش کرده تا ترجمه‌ای روان، سازمان یافته و مبتنی بر مؤلفه‌های تعیین شده ارائه دهد و از این طریق ظرافت‌های زبانی را برجسته سازد بر شیوایی سخن بیفزاید. مترجم در برخی موارد ترجمه خود، پایبندی و رعایت مؤلفه‌های مزبور را کنار نهاده است؛ رعایتی که می‌توانست در ارتقاء سطح کیفی ترجمه او سهم و مؤثر باشد.

پژوهش در ترجمه‌های دیگران، عنصری مهم در آموزش و یادگیری، پرورش استعدادها و تجربه و مهارت افزایی تلقی می‌شود. بنابراین، نگارش چنین مقاله‌ای ضمن معرفی یکی از نظریات حوزه ترجمه و تطبیق آن روی ترجمه متن، می‌تواند افق جدیدی را فراروی مترجمان و ادیبان بشکافد و در ارائه سبک‌های نوین و درست ترجمه راهگشا باشد.

## ۲. معرفی رمان «قلب اللیل» و ترجمه آن

«قلب اللیل» نوشته نجیب محفوظ، نویسنده اهل قاهره است که در آن اوضاع سیاسی، نابودی طبقات اجتماعی و نیز گسست خانواده‌های سنتی و قدیمی در برهه‌ای از تاریخ اوایل قرن بیستم مصر را به تصویر می‌کشد. این رمان نخستین بار در سال ۱۳۹۱ توسط کاظم آل یاسین به زبان فارسی ترجمه شده است. هدف مترجم از ترجمه این رمان، تبادل اندیشه و آگاهی بیشتر خوانندگان فارسی زبان با ادبیات منطقه است.

## ۳. نگاهی اجمالی به نظریه‌های ترجمه‌شناختی

در بررسی نظریه‌ها و رویکردهای ترجمه و ترجمه‌شناسی، برخی مورخان ترجمه را به سه دوره تقسیم می‌کنند: دوره پیش از قرن بیستم، دوره نظریه‌های زبان‌شناختی و دوره اخیر. برخی دیگر چون ترجمه‌شناس فرانسوی اینس اوزکی دپره<sup>۱</sup> نظریه‌های ترجمه را سه گونه می‌دانند: نظریه‌های تجویزی یا کلاسیک، نظریه‌های توصیفی یا نوین و نظریه‌های آینده نگرانه یا هنری (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). همچنین از نظر برخی از ترجمه‌شناسان، ترجمه ادبیات و متون ادبی را می‌توان از سه دیدگاه مورد بررسی قرار داد: زبان‌شناختی، اجتماعی و هرمنوتیکی. نظریه زبان‌شناختی بر یافتن راه‌حل برای مسائلی تأکید می‌کند که با انتقال زبانی مربوط بوده و هدف آن بهبود کار مترجم است. چنین نظریه‌ای خود دارای دو جهت است:

---

1. Oseki- depre, I.

رویکردی زبانی و گفتاری (گفتمان) (همان: ۱۵). رویکرد اولی را می‌توان در تطبیق‌گرایی وینه و داربلنه<sup>۱</sup> و رویکرد دوم را در مکتب تفسیری یا مکتب معنا مشاهده کرد. نظریه اجتماعی، ترجمه خود را در رویکردی موسوم به پولی-سیستم<sup>۲</sup> (نظریه چند نظامه) نشان می‌دهد. هدف چنین رویکردی توصیف و تشریح انتقال متن ترجمه شده به جامعه مقصد و جذب آن متن در نظام ادبی آن جامعه است. نظریه هرمنوتیکی، ترجمه را در بستری انتزاعی می‌نهد و در آن فاعل (مترجم) را -به عنوان کسی که ارزش‌ها و تفکرات خود را در ترجمه منعکس می‌سازد- در کانون توجه قرار می‌دهد. چنین نظریه‌ای که از هرمنوتیک مدرن (شلایرماخر، گادامر و ریکور<sup>۳</sup>) الهام می‌گیرد، مسأله حضور «بیگانه و دیگری» در متن ترجمه شده را برجسته می‌سازد: ترجمه در واقع نوعی گفت‌وگو و پذیرش بیگانه است (همان: ۱۶).

#### ۴. رویکردهای روسی شویتسر و رتسکر

یاکوب رتسکر، نظریه‌پرداز روسی در حوزه ترجمه، سه نوع رابطه را میان زبان مبدأ و مقصد توصیف می‌کند: الف- معادل<sup>۴</sup>، ب- تناظر متغیر<sup>۵</sup> و بافتی<sup>۶</sup> ج- انواع دیگر تبدیل‌های ترجمه<sup>۷</sup>. تغییری که در اصطلاحات مربوط به این فنون عمداً ایجاد شده تا توجه‌ها را به تمایز اساسی میان فن معادل و دو مقوله دیگر جلب کنند که بر مبنای تفاوت میان زبان / گفتار شکل گرفته‌اند (فاست<sup>۸</sup>، ۱۳۹۷: ۷۷). به اعتقاد رتسکر، «معادل» واقعیت زبان به حساب می‌آید؛ به این معنی که میان واژه‌های زبان مبدأ و زبان مقصد رابطه یک به یک برقرار است. بنابراین، انتظار می‌رود ترکیبی مانند «carbon monoxide (منوکسید کربن)» همواره به همین صورت در زبان مقصد، ترجمه شود (همان: ۷۷). بحث در باب این مقوله ما را به مطالعات اصطلاح‌شناسی می‌کشاند؛ آنجا که رابطه یک به یک میان نام چیزی و خود آن چیز به لحاظ نظری منجر به طرح نظریه‌ای قدیمی در باب ترجمه یا همان چیزی می‌شود که

- 
1. Vinay, J. P. & Darbelnet, J.
  2. Polysysteme
  3. Schleiermacher, F.D.E. et Gdamer, H.G. et Ricœur, P.
  4. Equivalence
  5. Variant correspondence
  6. Contextual
  7. Transformation
  8. Fast, P.

جایگزینی واژه با واژه<sup>۱</sup> نام دارد. این نظریه در اظهار نظر جامپلت<sup>۲</sup> به این شکل مطرح شد که وظیفه مترجم «ایجاد رابطه میان واحدی از زبان مقصد و مصداقی است که تا حد زیادی با روابط میان واحد موجود در زبان مبدأ و آن مصداق منطبق است» (Jumpelt, 1961: 57). دو مقوله دیگری که رتسکر تحت عنوان «معادل» و «تبدیل» از آن‌ها یاد می‌کند و همکاری شویتسر آن‌ها را «قیاس»<sup>۳</sup> و «بسنده‌گی»<sup>۴</sup> می‌نامد، واقعیت‌های مربوط به گفتارند؛ یعنی شرایطی که در آن، ترجمه به عواملی مانند: نقش بافت و متن بستگی دارد (Shveitser, 1987: 25).

#### ۴-۱. ترجمه در قالب قیاس

منظور از قیاس، شرایطی است که در آن رابطه انطباق یک به چند، میان زبان‌ها وجود دارد. چنین شرایطی بسیار معمول است. به عنوان مثال، برای اصطلاح تخصصی «nefritis» یک معادل در قالب «nephritis» (التهاب کلیه) ارائه شده است، یعنی رابطه انطباق یک به یک برقرار است، اما در مورد واژه «necesidad» رابطه انطباق یک به چند برقرار است و معانی متعددی ارائه شده که عبارتند از «necessity» (لزوم)، «need» (احتیاج)، «tight spot» (تنگنا) «poverty» (فقر) و «business» (دادوستد) که حسن تعبیر<sup>۵</sup> واژه «excrement» (معامله) به حساب می‌آید (فاست، ۱۳۹۷: ۷۸).

در اکثر فرهنگ‌های لغت در ذیل هر واژه، معادل و معانی گوناگون ارائه شده است؛ بدین ترتیب، فرهنگ‌های لغت از این منظر می‌توانند گمراه‌کننده باشند. این وسعت عمل گسترده حتی در مورد واژه‌هایی که ظاهراً معادل‌های دقیق و شسته‌رفته‌ای دارند، افرادی نظیر جین دلیسل و ماریان لدرر<sup>۶</sup> را بر آن داشت تا مقوله‌بندی زبانی محدودی را که نظریه نظیر رتسکر تحت عنوان رویکرد «تفسیری»<sup>۷</sup> به دست داده بود، رد کنند (همان: ۸۱). در زبان عربی برای انطباق یک به یک می‌توان به «دخل» (وارد شدن) و «فساد» (خراب شدن) و برای انطباق یک به چند به «أله» (سرگردان شدن/عشق ورزیدن) و واژه‌های اضداد به جَوْن (سیاده/سفید) اشاره کرد.

- 
1. Word-for-word substitution
  2. Jumpelt
  3. Analogy
  4. Adequacy
  5. Euphemism
  6. Delisle, J. & Lederer, M.
  7. Interpretative



#### ۴-۲. ترجمه در قالب «بسندگی»

آخرین مقوله‌ای که رتسکر تحت عنوان «انواع دیگر تبدیل‌های ترجمه‌ای» معرفی می‌کند و شویستر آن را «بسندگی» می‌نامد، شامل مواردی می‌شود که معادل یک به یکی وجود ندارد و تناظر بافتی مشخصی نیز در قالب باهم آبی امکان طرح پیدا نمی‌کند. در چنین شرایط مترجم خود را از قید زبان اصلی و معادل‌های ارائه شده در فرهنگ‌های لغت رها می‌کند و یکی از چهار فن ترجمه را به کار می‌بندد (همان: ۸۱). این چهار فن عبارت است از: عینی‌سازی، اشتقاق منطقی، ترجمه متضاد و جبران.

#### ۴-۲-۱. عینی‌سازی<sup>۱</sup>

در باب جابه‌جایی یا تبدیل واژه شامل / زیرشمول می‌توان از مفاهیم «عینی‌سازی» یا «مشخص‌سازی»<sup>۲</sup> ارائه شده از سوی رتسکر یاد کرد که به نوعی رنگ و بوی «تعمیم»<sup>۳</sup> را نیز در خود دارد. برای نمونه واژه «*geschwister*» را هم می‌توان به گونه‌ای عینی و مشخص در قالب «*brothers and sisters*» (برادران و خواهران) و هم به شکلی انتزاعی و نامشخص در قالب «*siblings*» (هم‌نیا، هم‌شیره) با توجه به بافت و تأثیرگذاری مورد نظر ترجمه کرد. زبان‌شناسی می‌تواند تغییر مفاهیم انتزاعی و عینی را برای مخاطب توضیح دهد، اما لزوماً نمی‌تواند به ما بگوید که کدام راه‌حل را باید در پیش گرفت، آن هم به این دلیل که این مسأله به عوامل متعددی نظیر دانش غیرزبانی، انتظارات خواننده، میزان اطلاعات، نوع متن، تأثیرگذاری مورد نظر و حتی سیاست‌های ترجمه بستگی دارد (همان: ۸۲).

رتسکر نمونه کاملاً قابل فهم «*have you hand your meal?*» (غذاتو خوردی) را ارائه می‌دهد؛ نمونه‌ای که در آن واژه «*meal*» وقتی به روسی ترجمه می‌شود، طبیعتاً به معنای صبحانه، ناهار یا شام است، اما حتی در این مورد نیز ما به دانش دایرة‌المعارفی و جامعه‌شناختی زبان احتیاج داریم، آن هم به این دلیل که وقت ناهار برای فردی انگلیسی که از خانواده‌ای اشرافی است با وقت شام فردی از طبقه کارگر همزمان است (Retsker, 1974:42). به عنوان نمونه در زبان عربی می‌توان به واژه «الزواج» اشاره کرد که هم به صورت معنای عینی «عروسی کردن» و هم به صورت معنای انتزاعی «ازدواج کردن و دو گانه شدن» ترجمه

---

1. Concretization  
2. Differentiation  
3. Generalization

می‌شود. در ادامه برای تبیین هر چه بهتر این موضوع به بررسی مثال‌ها براساس مؤلفه مذکور خواهیم پرداخت.

متن اصلی: لم تعد ذاكرتى أهلاً للثقة ثم أن بصرى ضعيف (محفوظ، بی تا: ۳)  
ترجمه: حافظه‌ام دیگر قابل اعتماد نیست و بالاتر از همه چشمانم آلبالو گیلان می‌چینند  
(آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

متن اصلی: رفع لی وجهه ذا الجلد المدبوغ والشعر النابت (محفوظ، بی تا: ۴).  
ترجمه: چهره سوخته و سر پرمویش را بلند کرد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۸).

متن اصلی: ولكن تلزمني استشارة مجانية لأن النقود كائنات مجهولة في عالمي (محفوظ،  
بی تا: ۵).

ترجمه: اما چون آه در بساط ندارم مشاور مجانی لازم دارد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

متن اصلی: أكتبُ الاتماسَ ولا تُبددُ الوقتَ (محفوظ، بی تا: ۱۱).  
ترجمه: علف نشو، تقاضا را بنویس (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۴).

متن اصلی: إني أحبُّ اللقمة الحلوة والوقف (محفوظ، بی تا: ۹).  
ترجمه: من لقمه چرب و نرم و موقوفه را دوست دارم (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲).

متن اصلی: كيف هان عليك يا جدى أن تطرد أبى لزواجه من امرأة من عامة الشعب (محفوظ،  
بی تا: ۳۸).

ترجمه: چطور دلت آمد که پدرم را به خاطر عروسی با زنی از طبقه پایین بیرون کنی  
(آل یاسین، ۱۳۹۱: ۳۴).

متن اصلی: على حجرى كتاب المنطق مفتوحا (محفوظ، بی تا: ۶۱).  
ترجمه: کتاب منطق در دامنم باز بود (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۵۱).

متن اصلی: سیخرج من القمم مارد لن تعرفه مهما ادعيت بأنك كنت له صديقا (محفوظ، بی تا: ۶۲).

ترجمه: از بعضی‌ها جواب می‌شنوی، هر چند ادعا می‌کنی دوست هستند (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۵۲).

متن اصلی: فقلت غاضبا: جميع المذاهب أخذ وعطاء (محفوظ، بی تا: ۱۳۲).  
ترجمه: با عصبانیت گفتم: تمام مکتب‌ها دکانی بیش نیستند (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

متن اصلی: مغفور لك ترددك فلا بد للفكرة من مهلة حضانة (محفوظ، بی تا: ۱۲۴).  
ترجمه: شك تو آمرزیده شد، بی تردید برای این ایده، فرصت روی تخم خوابیدن داشتی (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹۹).

با بررسی نمونه‌های فوق مشخص می‌شود ترجمه لفظی هر یک از مثال‌ها به ترتیب «ضعیف است، دارای پوست دباغی شده، پول در دنیای من ناشناخته است، وقت را هدر نده، لقمه شیرین، ازدواج با، روی سنگ من، از بلندی‌ها فرد سرکش و نافرمان خارج خواهد شد، گرفتن و دادن و در آغوش گرفتن» است. مترجم با عبور از معنای لفظی و ارائه برابر نهادهای همسان و مناسب برای هر یک از واژگان و تعابیر اصطلاحی توانسته زبان مبدأ را با معیارهای زبان مقصد نزدیک کند و بوی ترجمه لفظی را از متن مقصد بزدايد. اگر مترجم به این نتیجه برسد که ترجمه لفظی و نامشخص واژگان قابل قبول نیست؛ یعنی مثلاً پیام فاقد معنی است یا از لحاظ ساختار زبان مقصد ناممکن است یا اینکه متعلق به همان سطح زبانی نیست باید از ترجمه غیر مستقیم و غیر لفظی استفاده کند (Darbelnet & Vinay, 1977: 56).

تغییر و دستکاری برابر نهاد هر یک از واژگان و تعابیر از سوی مترجم برای انتخاب معادلی آشنا و مناسب در زبان فاسی و به منظور ایجاد تناسب و تعادل در ترجمه است تا از این طریق مفهوم و پیام دقیق هر یک از تعابیر برای مخاطب شکل گیرد. در واقع مترجم در این بخش، از مسیر گزینش ترجمه تحت‌اللفظی عبور کرده و با تکیه بر مؤلفه‌های فرهنگی زبان فارسی، دست به معادل‌گزینی و عینی‌سازی واژگان و عبارات در زبان مقصد کرده است که این امر بیانگر رویکرد مترجم در انتقال تعابیر به زبان مقصد است. بنابراین، می‌توان گفت مترجم با عنایت به هنجارهای زبان مبدأ و مقصد متنی را تولید کرده که دارای رنگ و بوی ادبی و

زبانی است و با ارائه ترجمه مناسب در یک قالب مشخص و قابل فهم باعث شده هم مخاطب معنا و پیام متن اصلی را راحت‌تر و بهتر دریافت کند و هم آفاق معنایی متن عربی را با آفاق معنایی متن فارسی گره بزند. در حقیقت می‌توان گفت ارائه ترجمه به صورت تحت‌اللفظی و انتزاعی باعث دلزدگی مخاطب از خواندن متن ترجمه می‌شود که مترجم سعی داشته با انتخاب برابرهادهای مطلوب و ادبی کلامی شیوا در زبان مقصد ایجاد کند.

#### ۴-۲-۲. اشتقاق منطقی<sup>۱</sup>

وقتی عملی رخ می‌دهد پیچیده و در قالب رابطه «علت - فرآیند - معلول» باشد، ممکن است زبان مبدأ این عمل را به گونه‌ای بیان کند که فقط روی یکی از این عناصر تأکید کرده باشد و زبان مقصد عمل مورد نظر را با تأکید بر عنصر دیگر بیان کند. این همان چیزی است که در سنت ادبی از آن تحت عنوان «مجاز»<sup>۲</sup> یاد می‌شود. وقتی جمله «With one thrust of this trusty blade, Dirk was free» (دیرک با ضربه‌ای از تیغ برنده او خلاصی یافت) را بیان می‌کنیم. به جای استفاده از «چاقو» یا شمشیر فقط به جزئی از آن یعنی «تیغه» اشاره می‌کنیم. نمونه درون زبانی دیگر عبارت «to go for a sail» (کاربرد جزء به جای کل) و «ir de paseo en barco» (کاربرد کل به جای جزء) است (Vazquez-Ayora, 1977: 297).

شویتسر معتقد است که این نوع انتقال مجازی در ترجمه بسیار متداول است و در واقع مبنای فهرست بندی مشهور دیگری را فراهم می‌آورد که از سوی وینی و داربلنه ارائه شده است (شویتسر، ۱۹۸۷: ۳۰). به عنوان نمونه در زبان عربی می‌توان به آیه ۳۸ از سوره مائده اشاره کرد که خداوند متعال در آن می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾. در این آیه واژه «ایدیهما» به معنای تمام دست بر جزئی از آن (انگشتان) اطلاق شده است، چراکه تمام دست دزد را قطع نمی‌کنند، بلکه انگشتان را که جزئی از دست است، قطع می‌کنند. در ادامه به بررسی نمونه‌های انتخابی از ترجمه آل یاسین براساس عنصر اشتقاق منطقی پرداخته می‌شود:

متن اصلی: أَجْرِي أُصْبِعُهُ عَلَى الْخُطُوطِ الْمَكُونَةِ لَوْجِيهِ بَرَقَةٌ وَعِنَايَةٌ (محفوظ، بی تا: ۳۳).

1. Logical derivation
2. Metonymy

ترجمه: با مهربانی و دقت انگشت‌هایش را روی خطوط صورتم کشید (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۳۰).

متن اصلی: تفجرت فی قلبی ینابیع المغامرة بلا حدود (محفوظ، بی تا: ۵۷).

ترجمه: سرچشمه‌های بی‌انتهای ماجراجویی در وجود منفجر شد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۵۰).

متن اصلی: جدی أنا أرفض. ترفض نعمتی؟ (محفوظ، بی تا: ۶۶).

ترجمه: پدر بزرگ من نمی‌پذیرم. دست مرا رد می‌کنی؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۵۶).

متن اصلی: حتی متی تمضی فی تردید الأغانی وتعاطی النبیز والمنزول؟ (محفوظ، بی تا: ۹۰).

ترجمه: تا کی می‌خواهی به این زندگی ذلت‌بار ادامه دهی؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷۴).

یکی دیگر از فنون شویتسر و رتسکر برای ترجمه، فن اشتقاق منطقی است. این فن برابر با همان مدولاسیون یا تغییر بیانی<sup>۱</sup> است که وینی و دارلینه در نظریه خود مطرح کرده‌اند. در جریان مدولاسیون، دال تغییر می‌کند در حالی که مدلول همچنان ثابت است و این فرآیند به شکل‌های مختلف استعاره، مجاز و مجاز مفرد مرسل بازنمایی می‌شود (فاست، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

در مثال نخست، واژه «اصبعه» در لغت به معنای انگشتان دست است، اما از آنجایی که خطوط چهره را معمولاً با نوک انگشتان دست لمس می‌کنند، مناسب بود برای آن برابر نهاد سر انگشتان به کار برده می‌شد. در واقع مترجم در ترجمه از واژه کلی‌تر «انگشتان» استفاده کرده است. در شاهد مثال دوم، عبارت «فی قلبی به معنای قلب من» است که مترجم آن را به صورت کل از جز در زبان مقصد انتقال داده است، چرا که قلب انسان جزئی از کل وجود او را دربر می‌گیرد. در نمونه سوم واژه «نعمتی» در لفظ به معنای «نعمت من» است. یکی از نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده، نعمت دست است. در این بخش مترجم کل را به صورت جزء یعنی «دست مرا» برگردان کرده است. در حقیقت دست جزئی از کل نعمت‌های خدادادی به شمار می‌رود. در مثال آخر واژگانی نظیر «تردید الاغانی، تعاطی النبیز و المنزول» به عنوان جزئی از کل زندگی ذلت‌بار در نظر گرفته می‌شوند. مترجم نیز واژگان

---

1. Logical modulation

مذکور را در زبان مقصد از حالت جزء به کل برگردان کرده است. موارد بالا را می‌توان به عنوان مجاز جزء از کل یا کل از جزء در نظر گرفت. مقصود از ترجمه جزء از کل یا برعکس در نظر گرفتن معنای مجازی واژه است که از جمله رویکردهای راهبرد تعدیل به شمار می‌آید (شهبازی و پارسایی‌پور، ۱۳۹۹: ۲۶۰).

تعدیل در سطوح مختلف لازمه ترجمه است، زیرا امکانات بیانی و قابلیت نحوی زبان‌ها با یکدیگر متفاوت است و هر زبان سرشار از نکته‌ها و رموز و ظرایف حقیقی، مجازی، قیاسی، سماعی، دستوری و کاربردی است که در امر معادل‌یابی، تعدیل را برای مترجم اجتناب‌ناپذیر می‌کند (ناظمیان و قربانی، ۱۳۹۲: ۹۳). تعدیل مهم‌ترین عامل در فرآیند ساده کردن متن است. به نظر می‌رسد نمی‌توان همه موارد تعدیل را شناسایی کرد و برشمرده و شاید اصلاً چنین کاری ضرورتی نداشته باشد، زیرا تعدیل در ذات ترجمه است و مترجم از آغاز تا انجام عمل ترجمه همواره در حال انجام تعدیل است. مترجم برای ترجمه متن آن را می‌فهمد و مقصود آن را درک می‌کند و آنگاه آن را به زبان مقصد بازگو می‌کند. گاهی اوقات مترجم برای درک متن مجبور می‌شود آن را تفسیر کند. تمام این‌ها باعث می‌شود تا متن ترجمه شده ساده‌تر از متن اصلی باشد و موارد پیچیده و مشکل، آسان و قابل فهم شود (همان: ۹۳).

با بررسی‌های صورت گرفته روی نمونه‌ها مشخص شد مترجم با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت متن، اکثر واژگان و تعابیر فوق را با دقت به زبان مقصد انتقال داده و تنها در یک مورد نسبت به رعایت اصل اشتقاق منطقی پایبند نبوده است که این امر می‌تواند ناشی از رویکرد و ذوق مترجم باشد. گاهی بافت و موقعیت یک متن به طوری است که یک واژه از حالت جزئی یا کلی خود خارج شده و وارد ساخت متضاد خود می‌شود تا پیام نهفته در آن برای مخاطب بیان شود. مترجم نیز با عنایت به بافت و سیاق متن، درک فضای حاکم بر آن و قاعده‌های برون‌متنی تلاش کرده با جایگزینی جزء به جای کل یا برعکس، برابرنهادی غیرمشابه با ساختار لفظی واژه در زبان مبدأ را در زبان مقصد انعکاس دهد.

#### ۴-۲-۳. ترجمه متضاد<sup>۱</sup>

منظور از ترجمه متضاد، ترجمه از طریق ارائه صورت متضاد واژه مورد نظر است. این شیوه به ویژه برای واژه آرایی و جمله بندی طبیعی در زبان مقصد مورد استفاده قرار می گیرد. بر این اساس، عبارت «est une valeur déjà ancienne» (این ارزشی قدیمی دارد) در فرانسه باید به صورت تحت اللفظی در قالب «is an already old value» ترجمه شود، اما می توان آن را به شکل «by no means a new value» (اصلاً ارزش جدیدی ندارد) نیز ترجمه کرد. رتسکر نمونه هایی مانند «The woman at the other end asked him to hang on (زنی در آن طرف خط از او خواست که گوشی را نگه دارد)» را به دلیل طبیعی بودن در زبان مقصد یعنی در زبان روسی به صورت «not to hang up the phone» (تلفن را قطع نکنید) و «wrote with perseverance» (نوشتن را دائماً ادامه می دهد) را به صورت «worked without a break» (بی وقفه کار می کند) ترجمه کرده است (Retsker, 1974: 9-48). برای مثال در زبان عربی می توان به عبارت «أعظک من أن تکون من المتکاسلین» اشاره کرد که معنای متضاد واژه «أن تکون» در زبان فارسی به این شکل است: «تو را پند می دهم تا از تنبلان نباشی».

یکی از پیوندهای میان واژه ای «تضاد معنایی» بین آنهاست که می تواند ربط کلمات را مشخص کند. ربطی که تضاد جلوه گر می شود و کلمات را مقابل هم قرار می دهد. این تقال که عمدتاً در معنای آنها خود را نشان می دهد، بیانگر نوعی پیوند میان واژه هاست (یوسفی و ابراهیمی شهرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در ادامه مؤلفه ترجمه متضاد در نمونه های منتخب مورد مذاقه قرار می گیرد:

متن اصلی: لم تخف علی أسباب اعتزازه بالاسم (محفوظ، بی تا: ۴).

ترجمه: دلایل افتخار کردن به اسمش برایم روشن است (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

متن اصلی: الیس لک مورد رزق من ای نوع فی شیخوختک؟ (محفوظ، بی تا: ۹).

ترجمه: در حال حاضر درآمد داری؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲).

متن اصلی: ألا تسمح لي بأن أعبت بالزمان كما عبث بي؟ (محفوظ، بی تا: ۱۴).  
ترجمه: اگر اجازه بدهی با روزگاری که مرا بازی داد بازی کنم؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۶).

متن اصلی: أنتى أعمال معاملتة جدیدة لاتخلو من جفاء وقلة اکتراث (محفوظ، بی تا: ۱۶).  
ترجمه: رفتاری جدید همراه با خشونت و بی توجهی با من می شد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۸).

متن اصلی: أليس لك أهل؟ (محفوظ، بی تا: ۹).  
ترجمه: آیا زن و بچه هم داری؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۲).

متن اصلی: لمحتها أكثر من مرة فى أثنائ الغناء وهى تنظر نحوک حتى قبل أن تعرف نسبک  
(محفوظ، بی تا: ۹۷).

ترجمه: بله اگر تو را نمی شناخت چند بار به تو نگاه نمی کرد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷۸).

متن اصلی: أراک غیر سعید الآن (محفوظ، بی تا: ۹۱).  
ترجمه: تو را خوش حال نمی بینم (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷۵).

در نمونه‌های فوق معنای اصلی واژگان و عبارات به ترتیب «بر من پوشیده نیست، آیا نداری، آیا نداری، آیا به من اجازه نمی‌دهی، خالی از خشونت و بی توجهی نیست، آیا نداری؟، اگر تو را می‌شناخت، به سمت تو نگاه می‌کند، می‌بینم و غیر خوش حال» است. مترجم با ارائه معنای منفی و ضد آن در زبان مقصد، ترجمه‌ای متضاد نسبت به زبان مبدأ ارائه داده تا از این طریق واژارایی و جمله‌بندی مناسبی در ترجمه خود ایجاد کند. اگر مترجم تمامی نمونه‌ها را به همان صورت زبان مبدأ ترجمه می‌کرد، گرایش او تمام به سمت متن اصلی می‌بود. مترجم نباید اجازه دهد جمله عربی او را به هر جا که می‌خواهد بکشاند، بلکه باید جمله را بخواند، بفهمد و بهترین و زیباترین معادل را در فارسی پیدا کند که معادل جمله عربی باشد (ناظمیان و خورشاه، ۱۳۹۸: ۲۵۲).

حروف «لا و لیس» از حروف منفی ساز به شمار می‌روند که ترجمه آن‌ها به صورت مثبت در زبان مقصد یک نوع ضدیت معنایی در کلام ایجاد می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت مترجم برای انتقال دقیق معنا یا پیام و یا ایجاد صراحت و وضوح بیشتر باید از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی استفاده کند که کشش لازم برای ادامه متن را در خواننده به وجود آورد (ناظمیان و خورشاه،



۱۳۹۸: ۲۵۱). گاه مترجم برای رسیدن به این هدف، مجبور به ارائه ترجمه متضاد و منفی می‌شود. پیشوند «غیر» نیز برای منفی ساختن به کار می‌رود و می‌تواند در ساختار کلمات، واژگان متضاد بسازد (یوسفی و ابراهیمی شهرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

برخی از دستورنویسان از جمله فرشید ورد معتقد است رابطه ضدیت اعم از نفی است و در بسیاری از مواقع کلمات منفی نیز رابطه ضدیت معنایی باهم دارند، حتی اگر بتوان غیر از واژه منفی آن، ضد دیگری برایش پیدا کرد، فقط در معنا این رابطه را دارند و از نظر ساختار ظاهر از الگوی خاصی پیروی نمی‌کنند. طبق نظر او، اگر کلمه‌ای را منفی کنیم باز هم متضاد آن را گفته‌ایم؛ یعنی رابطه تضاد نسبت به کلمات منفی رابطه عموم و خصوص مطلق است (فرشید ورد، ۱۳۸۲: ۹۰).

با بررسی این بخش می‌توان گفت مترجم با ارائه ترجمه متضاد برای نمونه‌های منتخب از صورت زبان مبدأ تجاوز کرده و ساخت کلمات و عبارات متن اصلی را به شکل مغایر و متضاد در زبان مقصد نمایان ساخته است. بنابراین، مترجم با برگزیدن این شیوه در ترجمه خود، دست به یک نوع تغییر دیدگاه زده است و با دگرگینی و استفاده از برابرهادهای متضاد در متن مقصد سعی دارد تا ترجمه طبیعی‌تر جلوه کند.

#### ۴-۲-۴. جبران<sup>۱</sup>

جبران، راهکاری است که برخی از مترجمان به کار می‌برند، آن هم زمانی که چیزی در زبان مبدأ قابل ترجمه نیست. البته برخی دیگر این راهکار را اساساً نمی‌پذیرند. این اصطلاح آنقدر کلی است که می‌تواند شرایط متعددی را دربرگیرد و همین مسأله به اعتقاد شویتسر که تکرار نظر وینی و داربلنه نیز است، می‌تواند تمامی ترجمه‌ها را در چهارچوب جبران قرار دهد و با این خطر همراه باشد که بسیاری از مترجمان به جای ترجمه نظراتشان را ارائه دهند یا کل متن را بازنویسی کنند (Shveister, 1987: 32).

یکی از دشوارترین شرایط ترجمه به بازی واژه‌ها مربوط می‌شود. اگر موضوع متنی، مترجم را وادار کند که در همان حوزه معنایی باقی بماند و جناس واژگانی را حفظ کند و در چنین شرایطی در زبان مقصد دو واژه‌ای وجود نداشته باشند که بتوان این بازی واژه‌ها را در آنجا رعایت کرد. در این صورت جناس غیرقابل ترجمه می‌شود. برای نمونه، چطور

---

1. Compensation

می‌توان جناس موجود در «le socialisme francais est un cadavre exquis» (سوسیالیسم فرانسوی به جنازه‌ای زیبا مبدل شد) را ترجمه کرد، آن هم به این شکل که دو واژه آخر به صورت تحت‌اللفظی در معنی «(good-looking corpse جنازه خوش ظاهر)» در آید و در عین حال به پیامدهای بازی سورئالیستی نیز اشاره کند. پیشنهادی که عده‌ای در این شرایط مطرح می‌کنند این است که مترجم برای جبران این خلأ باید جناس را در جای دیگری از متن به وجود آورد که در متن اصلی وجود نداشته است (فاست، ۱۳۹۷: ۹۱). به عنوان نمونه جبران در زبان عربی می‌توان به آیه ۱۲ از سوره تحریم اشاره کرد: ﴿وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْضَنْتُ فَرْجَهَا﴾. معنای عبارت مذکور در زبان مقصد بدین صورت است: دامان خود را پاک نگه داشت. در این مثال ادب کلامی قرآن حکم می‌کند تا با استفاده از معادل فرهنگی، ترجمه واژه مذکور در زبان مقصد جبران شود.

جبران به معنای جبران از دست رفتن ویژگی‌های متن مبدأ در ترجمه است. برای این کار با استفاده از شیوه‌هایی غیر از آنچه در متن مبدأ به کار رفته است، تأثیراتی مشابه در متن مقصد ایجاد می‌شود (فرح‌زاد، ۱۳۹۴: ۳۳). به عنوان مثال، جبران یکی از صنایع معنوی با لفظی دیگر، ترجمه استعاره با تشبیه یا اکتفا یا قافیه با جناس استهلالی است (عسگر‌بابازاده اقدام و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۹۷). در این بخش به بررسی و تطبیق مؤلفه جبران در مثال‌های انتخابی پرداخته می‌شود.

متن اصلی: ولکن آیام خان جعفر لایمکن أن تنسی.. مرحبا اذن فأنت من أهل ذلک الحی؟ (محفوظ، بی تا: ۳).

ترجمه: ولی روزهای محله «خان جعفر» فراموش شدنی نیست. سلام، پس تو اهل همان محله‌ای؟ (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۷).

متن اصلی: هجعت عطفة الباب الأخضر تحت ستار اللیل. تعود فی تلک الساعة أفواج من الشحاذین إلی أركانهم (محفوظ، بی تا: ۱۳).

ترجمه: هنگامی که شب نقابش را بر در سبز می‌گستراند قهوه‌خانه آرام می‌گیرد. گداها دسته دسته به منزلگاه خود بر می‌گردند (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۵).

متن اصلی: وانی مَسِيسُ الحاجةُ إلى ميلم (محفوظ، بی تا: ۵).  
ترجمه: و من به یک «میلِم» احتیاج دارم (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۹).

متن اصلی: وشغلت تماما بجدول الماء وأشجار الحناء والنخيل والليمون والأعشاب والضادع والعصافير و البلابل والحمام والیمام وأزین خیالی بالفراش النحاسی المذهب والسجاجید الفارسیة والصوان الفخم والمرآة الكبيرة المصلوقة والستائر الملونة والدواوین الوثیرة والشرفة المسقوفة بالبلابل والحمام الكبير بأرضيته العصرانی وخران میاهه العجیب (محفوظ، بی تا: ۳۵).

ترجمه: نهر، درختان حنا، لیمو، عناب، نخل، قورباغه‌ها، گنجشک‌ها، بلبل‌ها و کبوتران فکرم را به خودم مشغول کردند و نیز ذهن خود را با رختخواب صورتی، فرش‌های ایرانی، کمد لباس و آینه بزرگ روی دیوار، پرده‌های رنگارنگ، مبل‌های راحتی گرم و نرم و بالکن با سقفی از پیچک، حمام بزرگ با چراغ نفتی و انبار عجیب آن مشغول کردم (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۳۱).

متن اصلی: ثمة حجرة يصعد إليها من الدهليز بسلم ذي درجتين وفراش مرتفع يرقى إليه بسلم خشبي يغرى باللعب ونارجيلة معزولة فوق صوان حتى لا تمتد لها يدي وقطط مدللة وجندرة (محفوظ، بی تا: ۱۴).

ترجمه: در آنجا اتاقی بود که ورودی‌اش از دالان و نردبان دوپله‌ای بود، رختخوابی روی تخت بلندی پهن بود تخت پله‌ای داشت که برای بازی و سوسه انگیز بود، قلیانی روی گنجه به کناری بود تا دستم به آن نرسد، گربه ناز پرورده و «جندره» در آن وجود داشت (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۱۷).

متن اصلی: وسرعان ما عرفت أولاد الجيران وفي مقدمتهم ابن لسواق سوارس يدعى محمد شكرون (محفوظ، بی تا: ۴۶).

ترجمه: به زودی با بچه‌های همسایه و اول از همه پسر راننده «سوارس» که محمد شکرون نامیده می‌شد، آشنا شدم (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۴۰).

متن اصلی: أن يشتري لنا الملبن الأحمر والسوييا (محفوظ، بی تا: ۴۶).  
ترجمه: برای ما راحت الحلقوم و «سوییا» بخرد (آل یاسین، ۱۳۹۱: ۴۰).

در مثال نخست و در عبارت «إذن فأنت» مترجم می‌توانست از راهکار جبران در ترجمه خود بهره‌برد. دلالت معنایی عبارت مذکور در زبان مقصد به صورت «پس تو هم یا پس تو نیز» جبران می‌شد که این امر از دید مترجم پنهان مانده است. در نمونه دوم مترجم قید «هنگامی که» و واژه «قهوه‌خانه» را در متن ترجمه آورده و عبارت «فی تلك الساعة» را از زبان مقصد حذف کرده است. این در حالی است که دو واژه «هنگامی که» و «قهوه‌خانه» در متن مبدأ دیده نمی‌شوند. تفاوت سبک نویسنده و مترجم می‌تواند موجب افت معنایی شود، چراکه انتخاب واژگان و شیوه چیدمان آن‌ها در کنار یکدیگر معنایی متفاوت را ایجاد می‌کند.

از آنجا که سبک هر نویسنده در زبانی که می‌نویسد قابل تعریف و ارزیابی است، تفاوت میان سبک نویسنده و سبک مترجم امری گریزناپذیر است. سبک‌ها قابل انتقال نیستند، اما با شرط نسبیّت می‌توان آن‌ها را در زبانی دیگر باز آفرینی کرد. باز آفرینی مستلزم توانایی زبانی و خلاقیت مترجم است (خزاعی فر، ۱۳۹۶: ۴). مترجم با افزودن دو واژه «هنگامی که» و «قهوه‌خانه» افت معنایی ایجاد شده را در زبان مقصد جبران کرده است. در مثال سوم مترجم دلالت معنایی واژه «میلیم» در زبان مقصد را در قسمت پاورقی جبران و آن را به صورت توضیح تفسیری «میلیم یا میلیا از اجزای لیره واحد پول مصر» برگردان کرده است که این جبران، یک نوع جبران افزایشی به شمار می‌رود.

در مثال چهارم نجیب محفوظ با به کار بردن دو واژه «الحمام و الیمام» در متن مبدأ جناس ناقص اختلافی ایجاد کرده است. کلمه «الیمام» در اصل به معنای «قمری» است، اما مترجم این دو واژه را به همان شکل کلی «کبوتران» ترجمه کرده است. مترجم برای جبران جناس میان «الحمام و الیمام» در ترجمه «الدواوین الوثيرة» عبارت «مبل‌های گرم و نرم» را آورده است. میان دو واژه «گرم و نرم» جناس ناقص اختلافی وجود دارد. هنگامی که معادل فارسی واژگان جناس دار در زبان مبدأ با یکدیگر جناس ندارند، مترجم می‌کوشد با ایجاد جناس در بخشی دیگر از متن، لحن کلی متن را حفظ کند و محدودیت زبان مقصد را در این بخش در قسمتی دیگر از متن مقصد جبران کند (خسروی سوادجانی و رستم‌پور ملکی، ۱۴۰۰:

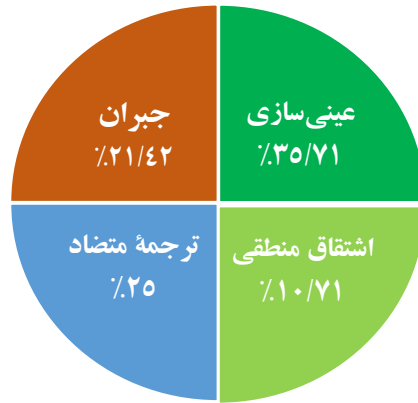
۳۸۷-۳۸۶). همچنین مترجم دلالت معنایی حرف «واو» را در ترجمه خود جبران و آن را به شکل «و نیز» در زبان مقصد متبلور ساخته است.

در نمونه‌های ۵، ۶ و ۷ مترجم معنا و مفهوم واژه‌های «جندرة، سواس و سوییا» را در قسمت پاورقی و به صورت توضیح تفسیری بیان و از افزایش جبرانی بهره گرفته است. توضیح و ترجمه جبرانی مترجم از دو کلمه مزبور در زبان مقصد به این شکل است: «جندرة»: چوب کنده‌ای که به جهت کوفتن و هموار ساختن رخت‌های پوشیدنی آماده سازند، «سوارس»: یک نوع وسیله نقلیه و «سوییا»: یک نوع نوشیدنی است. مترجم متن ادبی به لحاظ اینکه هم باید اصل و صورت پیام و هم محتوا و حس نویسنده متن مبدأ را منتقل کند، رسالتی عظیم بر دوش می‌کشد. به عقیده صاحب‌نظران، زمانی عمل ترجمه ادبی به کمال خود می‌رسد که همان حسی را در خواننده زبان مقصد برانگیزد که در خواننده زبان مبدأ ایجاد کرده است (گرگی و رستم‌پور ملکی، ۱۴۰۰: ۱۴۷).

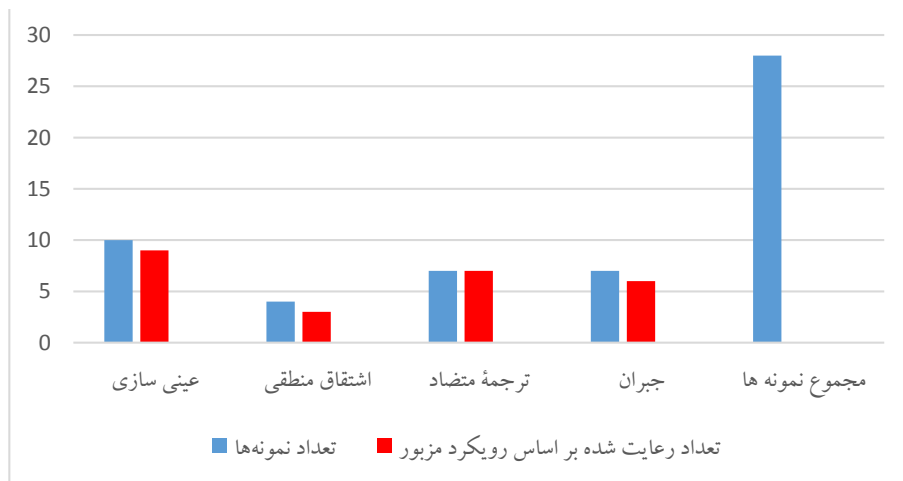
بنابراین، می‌توان گفت افزودن یا حذف مواردی از متن مبدأ در متن مقصد حاکی از یک نوع آفرینش ادبی است و از طریق آفرینش ادبی می‌توان هر آنچه از متن اصلی کم یا زیاد شده جبران کرد تا تأثیری مشابه متن اصلی بر خواننده ترجمه داشته باشد. در واقع مترجم با ترجمه‌هایی که در متن مقصد ارائه داده، دلالت‌های معنایی را به شکلی دیگر جبران کرده است، اگر چه در برخی موارد از توجه به این مهم غافل مانده است.

در نمودار (۱)، میانگین درصد رعایت رویکرد شویتسر و رتسکر در متن مقصد ارائه شده است. نمودار (۲) نیز بیانگر میزان رعایت نمونه‌ها در ترجمه براساس رویکرد روسی است. براساس نمودار (۲)، از مجموع ۲۸ نمونه انتخابی، ۱۰ مورد برای مؤلفه عینی‌سازی، ۴ مورد برای اشتقاق منطقی، ۷ مورد برای ترجمه متضاد و ۷ مورد برای جبران است. مترجم نمونه‌های منتخب برای عنصر عینی‌سازی و ترجمه متضاد را به صورت کامل و براساس شیوه مذکور در زبان مقصد انتقال داده است. در بحث جبران از میان ۷ مورد به ۶ نمونه آن و در بحث اشتقاق منطقی از میان ۴ مورد به ۳ نمونه آن در متن ترجمه پایبند بوده است.

نمودار ۱. میانگین درصد رعایت رویکرد شویتسر و رتسکر در متن مقصد



نمودار ۲. میزان رعایت نمونه‌ها در ترجمه براساس رویکرد روسی



### بحث و نتیجه‌گیری

در نقد و بررسی ۴ مؤلفه قالب بسندگی در ترجمه کاظم آل یاسین براساس رویکردهای روسی شویتسر و رتسکر نتایج زیر حاصل شده است:

- در بحث عینی‌سازی یا مشخص‌سازی، مترجم با گزینش معادل و برابر نهادهای فرهنگی و نو تلاش بسیار داشته است. او در این بخش سعی کرده با عبور از معنای لفظی واژگان و تعابیر اصطلاحی و ارائه معنای نزدیک با عناصر فرهنگی و معیار زبان مقصد نسبت به رعایت

مؤلفه عینی سازی در ترجمه خود پایبند باشد و با انتخاب برابرنهادهای تازه به ایجاد تعادل و تناسب در ترجمه خود کمک کند.

- در بحث اشتقاق منطقی مترجم با عنایت به شرایط متن و فضای حاکم بر آن معنای هر از یک واژگان و عبارات در نظر گرفته شده برای مؤلفه مجاز را به صورت درست و مناسب به زبان مقصد انتقال داده است و تنها در یک مورد از رعایت این اصل غافل مانده است. همچنین تلاش مترجم بر این بوده تا با جایگزین کردن حالت‌های جزئی به جای کلی و برعکس، صورت زبان مبدأ را با حفظ پیام و مفهوم اصلی آن در زبان مقصد انتقال دهد.

- در سطح ترجمه متضاد مترجم تلاش کرده تا نمونه‌های انتخابی را به صورت متضاد و مغایر با آنچه در متن مبدأ آمده است، ترجمه کند تا از این طریق پیوند معنایی میان دو متن مبدأ و مقصد را تحکیم ببخشد.

- در بخش جبران مفهوم و محتوا در ترجمه رعایت شده است و با مدنظر قرار دادن این اصل که در ترجمه ادبی انتقال کامل عناصر ادبی از متن اصلی به متن مقصد کاری سخت است، مترجم توانسته تا اندازه‌ای نواقص و افت معنایی ایجاد شده را با ارائه برگردان مناسب برطرف ساخته است. در مواردی نیز مترجم از جبران دلالت معنایی برخی از عناصر متن مبدأ در زبان مقصد غافل مانده است.

- می‌توان گفت مترجم در اکثر مواقع ضمن رعایت اسلوب و مؤلفه‌های متن مبدأ و انتقال آن، ظرافت‌های زبانی و روش‌های بیانی متن مقصد را در اولویت قرار می‌دهد. از آنجایی که برگردان تمام جوانب متن اصلی، ساختار و پیام متن، کاری سخت و احیاناً غیرممکن است، از این رو، تلاش کاظم آل‌یاسین برای ارائه یک متن روان مبتنی بر مؤلفه‌های قالب بسندگی مناسب و مقبول به نظر می‌رسد. باید به این نکته توجه کرد که ترجمه صورت گرفته از رمان قلب اللیل از ویژگی‌های مثبت و منفی برخوردار است و در اینجا هدف این است که با معرفی مدل جدید شویتسر و رتسکر، تا حدی مشکلات ترجمه خصوصاً ترجمه متون ادبی کاسته شود.




- به طور کلی عناصری که بیشتر در دایره زبانی متن مقصد قابل تطبیق و پیاده‌سازی است، هر چند از زیرمجموعه‌های سطوح ۴ گانه قالب بسندگی شویتسر و رتسکر هم باشد، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و این امر باعث شده تا مترجم، گرایش و رویکردی مقصد‌گرا داشته باشد.

در پایان باید گفت رویکرد روسی شویتسر و رتسکر مانند سایر مدل‌های ترجمه با عنصری که دارد راه را برای ناقدان و داوران در ارزیابی و بررسی متون ترجمه شده باز می‌گذارد.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Seyed Mahdi Nouri  <https://orcid.org/0000-0001-7867-4898>  
keyzghani  
Masoud Salmani Haghghi  <https://orcid.org/0000-0003-3898-5987>  
Reyhaneh Hosseinabadi  <https://orcid.org/0000-0003-2557-5487>

### منابع

- ابوعلی، رجاء و اسبقی گیگلو، بهزاد. (۱۳۹۹). نقد و بررسی ترجمه فاطمه جعفری از رمان اعترافات ربیع جابر براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۰(۲۲)، ۹-۳۴.
- احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۵). *نقد ترجمه ادبی نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: رهنما.
- بابازاده اقدام، عسگر، کرمی میرعزیزی، بیژن، نامداری، ابراهیم و مهدی پور، فاطمه. (۱۳۹۸). تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۹(۲۱)، ۲۷۹-۳۰۶.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۹۶). *سبک نویسنده و سبک مترجم*. مترجم، ۲۷(۶۴)، ۳-۱۴.
- خسروی سوادجانی، نرگس و رستم‌پور ملکی، رقیه. (۱۴۰۰). راهکارهای جبران افت معنی در ترجمه شعر معاصر عربی به فارسی (بررسی موردی: ترجمه شفیع کدکنی). *جستارهای زبانی*، ۱۲(۶۴)، ۳۷۳-۴۰۴.
- دلشاد، شهرام، مسبوق، سید مهدی و عبدی، صلاح الدین. (۱۳۹۵). باز کاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب براساس الگوی ژان رنه لادمیرال. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۶(۱۵)، ۳۷-۵۸.



شهبازی، علی اصغر و پارسایی پور، مصطفی. (۱۳۹۹). بررسی تعریب داستان شاه و کنیزک مثنوی با تکیه بر الگوی وینی و داربلنه (مورد پژوهی مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۰(۲۳)، ۲۳۷-۲۷۰.

فاست، پیتر. (۱۳۹۷). ترجمه و زبان تبیینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی. ترجمه راحله گندمکار. چ ۱. تهران: نشر علمی.

فرح‌زاد، فرزانه. (۱۳۹۴). فرهنگ جامع مطالعات ترجمه. چ ۱. تهران: نشر علمی.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۶). دستور مفصل امروز. چ ۱. تهران: سخن.

گرجی، زهره و رستم پور ملکی، رقیه. (۱۴۰۰). نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب حمام روح بر پایه مدل نظری گارس. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱(۲۴)، ۱۴۵-۱۸۲.

محفوظ، نجیب. (۱۳۹۱). دل شب. ترجمه کاظم آل یاسین. شاهین شهر: نشر کاظم آل یاسین.

\_\_\_\_\_ (بی تا). قلب اللیل. بی جا: نشر جدران المعرفة.

ناظمیان، رضا و خورشید، صادق. (۱۳۹۸). تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزه ساختار جمله، زمان و ضمائر. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۹(۲۰)، ۲۴۷-۲۷۲.

ناظمیان، رضا و قربانی، زهره. (۱۳۹۲). از تعدیل تا معادل‌یابی. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳(۹)، ۸۵-۱۰۲.

یوسفی، محمدرضا و ابراهیمی شهرآباد، رقیه. (۱۳۹۱). تضاد و انواع آن در زبان فارسی. فنون ادبی. ۴(۲)، ۱۵۴-۱۲۹.

## References

- Abu Ali, R. & Esbaghi Ghiglo, B. (2019). Criticism and Review of the Translation of Fatima Jafari from the novel Rabi Jaber's Confessions based on the Theory of Disruptive Trends of Antoine Berman. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 10(22), 9-34. [In Persian]
- Ahmadi, M. R. (2015). *Criticism of Literary Translation of Theories and Applications*. Tehran: Rahnama. [In Persian]
- Babazadeh Aghdam, A., Karami Mirazizi, B., Namdari, E & Mahdipour, F. (2018). Change of Expression at the Grammatical and Lexical Level based on the Carmen Garces model (Case Study: Haddadadal, Moazi and Ansarian's Translations of Parts 29 and 30 of the Qur'an). *Journal of Translation Research in Language and Literature Arabic*, 9(21), 279-306. [In Persian]

- Delshad, Sh., Masbough, S. M. & Abdi, S. (2015). A Review of Abdul Latif Tsoji's Translation of the Fundamental Story of a Thousand and one Nights based on the model of Jean-René Ladmira. *Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 6(15), 37-58. [In Persian]
- Faust, P. (2017). *Translation and Explanatory Language based on Linguistic Theories*. Translated by Rahela Gandhamkar. 1 Ed. Tehran: Scientific Publication. [In Persian]
- Farahzad, F. (2014). *Comprehensive Culture of Translation Studies*. Ch. 1. Tehran: Scientific Publication. [In Persian]
- Farshid vard, KH. (2007). *Today's Detailed Instruction*. Ch. 1. Tehran: Sokhn. [In Persian]
- Gurji, Z. & Rostampour Makli, R. (1400). Criticism of the Persian Translation of Selected Works of Gibran in the book Bath of the Spirit based on Gars' Theoretical model. *Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 11(24), 145-182. [In Persian]
- Jumpelt, R. W. (1961). *Die Ubersetzung Naturwissenschaftlicher Lind Technischer Literature*. Berl in: Langenscheidt.
- Khazaei Far, A. (2016). Writer's Style and Translator's Style. *Translator's Quarterly*, 27(64), 3-14. [In Persian]
- Khosravi Sawadjani, N. & Rostampour Maleki, R. (2021). Methods to Compensate for the loss of Meaning in the Translation of Contemporary Arabic Poetry into Persian (Case Study: Shafii Kodkani's Translation). *Bimonthly Journal of Linguistic Inquiries*, 12(64), 373-404. [In Persian]
- Mahfouz, N. (2013). *Heart of the night*. Translated by Kazem Al-Yasin, Shahin Shahr: Kazem Al-Yasin Publishing. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (N. D). *Qalb Al-Lil*. Bija: Jadran Al-Marafa Publication. [In Persian]
- Nazemian, R. & Khorsha, S. (2018). Techniques for Smoothing the Translation text in the three areas of Sentence Structure, Tense and Pronouns. *Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 4(20), 247-272. [In Persian]
- Nazimian, R. & Ghorbani, Z. (2012). From Adjustment to Equivalence. *Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 3(9), 85-102. [In Persian]
- Retsker, Y. (1974). *Teoria Perevoda I Perevodcheskaia Praktika (Theory of Translayion and Translation Practice)*. Moscow: Mwzhdunarodnii Otnoshenia.
- Shahbazi, A. A. & Parsaeipour, M. (2018). Study on the Translation of the Story The King and the Concubine of the Masnavi based on the Model of

- Wini and Darbelneh (A Case Study Comparing the Translation of Hashemi and Javaheri Poems). *Journal of Translation Research in Arabic Language and Literature*, 10(23), 237-270. [In Persian]
- Shveister, A. D. (1987). *Ubersetzung and Linguistic*. Berlin: Akademie. Original Title *Perevod I lingvistika*, 1973.
- Vazquez-ayora, G. (1977). *Introduccion a la Traductologia*, Washington D. C: Georgetown university.
- Vinay Jean-paul et Darbelnet Jean. (1977). *Stylistique Compare du Francais et de Langlais, Method de Traduction, Didier*. Paris: Nouvelle edition Revue et Corrige.
- Yousefi, M. & Ebrahimi Shahrabad, R. (2011). Contrast and its Types in Persian Language. *Fanon Adabi Magazine*, 4(2), 129-154. [In Persian]

---

**استناد به این مقاله:** نوری کیزدقانی، سید مهدی، سلمانی حقیقی، مسعود، حسین آبادی، ریحانه. (۱۴۰۱). نقد و بررسی مؤلفه‌های قالب بسندگی در ترجمه کاظم آل یاسین از رمان «قلب اللیل» براساس رویکردهای روسی شویتسر و رتسکر. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۲۶۹-۲۹۵. doi: 10.22054/RCTALL.2022.69861.1648



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.